

امروزه توسعه به عنوان یک فرآیند، مهم ترین بحث کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل توسعه است؛ به طوریکه توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته اند، و فرآیند توسعه وقتی با ثبات و موفقیت همراه می دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد در این زمینه اگر چه نهادها و تشکلهای مختلف وجود دارد، ولی مهم ترین و اصلی ترین شیوه بهره گیری از مشارکت فعال و همه جانبه مردم در روند توسعه، سازمانهای غیر دولتی هستند که به عنوان بخش سوم در کنار بخش خصوصی (بازار) و دولت (عمومی) در اداره جامعه نقش دارند.

سازمانهای غیردولتی در سراسر جهان گسترش چشمگیری یافته اند، آنها مشارکت افراد جامعه را در فرآیند توسعه تقویت می کنند اهداف و کارکردهای گوناگون این سازمانها و تعهد و پافشاری آنان در دستیابی به آنچه که به عنوان اهداف خود برگزیده اند، دولتها را بر آن داشته است که با اعتقاد به توانمندی و اثر بخشی سازمانهای غیر دولتی و درک نقش و جایگاه آنها، بخشهایی از مسئولیتهای خود را خواسته یا ناخواسته به سازمانهای غیر دولتی واگذار کنند. در این جهت سازمانهای غیر دولتی به مثابه روشهای جدیدی برای جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش اهمیت یافته اند. این سازمانها با نقش واسطه ای خود میان مردم و دولت حوزه هایی از عرصه عمومی را در حیات اجتماعی جوامع تعریف کرده اند. این سازمانها، در عرصه های اقتصادی و اجتماعی، به سبب فارغ بودن از بوروکراسی پیچیده بخش دولتی و منفعت طلبی بخش خصوصی، این امکان را فراهم ساخته تا در زمینه هایی چون مبارزه با فقر و گرسنگی، حفاظت از محیط زیست، جنگلداری، افزایش آگاهیهای عمومی، رفاه، بهداشت جامعه و خانواده، توجه به امور زنان و کودکان، کاهش آسیب های اجتماعی و...، موفق تر از بخش های خصوصی و دولتی عمل نمایند.

### سازمانهای غیر دولتی NGOs (تعاریف و ویژگیها)

سازمان های غیردولتی تعریف چندان روشنی ندارند، و به علت تعدد و تنوع نقش ها و ویژگیهایی که به خود می گیرند تعاریف متنوعی از NGOs وجود دارد، در واقع این سازمان ها با پسوند غیردولتی تعریف می شوند. جویدیت تدلر (۱۹۹۲) اشاره می کند که سازمان های غیردولتی اغلب خود را در مقابل دولت تعریف می کنند. دولتی که گفته می

شود، بزرگ، سخت، غیرقابل انعطاف، بوروکراتیک، سلسله مراتبی و نا توان در رسیدگی به فقیران است. اگر این سازمان ها به عنوان نهادهایی تعریف شوند که خارج از حیطه و اقتدار دولت فعالیت می کنند طیف بسیار وسیعی را شامل می شوند. معمولاً از یک پسوند دیگر هم برای تعریف دقیق تر استفاده می شود. «بخش غیرانتفاعی». در حقیقت منظور سازمان هایی هستند داوطلب، که در جهت بسیج نیرو و احساسات داوطلبان برای کاهش رنج ها و با هدف توسعه انسانی عمل می کنند.

یکی از ویژگیهای مورد تأکید در تعریف **NGOs** خصیصه غیر انتفاعی بودن آنهاست که در بعضی از تعاریف محدودیتهای را برای بعضی سازمانها قائل شده اند، البته دسته ای از این سازمانها مانند تعاونی ها را که جنبه غیر انتفاعی در آنها، بر کسب سود ترجیح دارد؛ می توان در چهارچوب **NGOs** قرار داد و بدین ترتیب اگر هدف عمده سازمانی، کسب سود یا تقسیم آن بین اعضا نباشد، می توان آنرا یک سازمان غیر دولتی به شمار آورد. از این رو می توان تعاونی ها و سازمانهای خدمات-گرای تولیدی را «سازمانهای غیر دولتی اقتصادی» اتلاق کرد. تجربه نشان داده است که وجود این قبیل سازمانها برای توسعه و جلب و تعمیق مشارکت، حیاتی تر از سازمانهای غیر دولتی خیریه است.

به طور کلی می-توان ویژگی-های زیر را در تعریف سازمان-های غیردولتی در نظر گرفت:

غیر انتفاعی : این سازمان ها با انگیزه سودجویی به وجود نیامده اند و برای کسب منفعت جهت افراد یا دسته های خاص تشکیل نشده اند. هر چند سازمان های غیر دولتی می توانند در کارهای بازرگانی وارد شوند و تولید سود و سرمایه کنند. لیکن سود و سرمایه آنها باید صرفاً برای اجرای مأموریت سازمان به مصرف رسد یا در سازمان سرمایه گذاری شود.

عدم وابستگی سازمان به دولت

سازمان های غیر دولتی را مردم تأسیس می کنند و عموماً دولت ها در ایجاد و مدیریت آنها نقش چندانی ندارند. مانند انجمن ها، مجامع. گروه های حرفه ای، سازمان های مذهبی و خیریه ای.

داوطلبانه : سازمان های غیر دولتی، را مردم به صورت داوطلبانه به وجود می آورند از سویی این سازمان ها باید تابع قوانین و مقررات موجود باشند و از سوی دیگر هیچ تشکیلات دولتی نباید در شرایط عادی، ایجاد، اداره و انحلال آنها را فرمان دهد. عضویت مردم در سازمان های غیر دولتی، داوطلبانه است.

برخورداری از شخصیت حقوقی

برای گسترش فعالیت سازمان های غیر دولتی ، قوانینی وضع می شود و در چارچوب این قوانین آنها به ثبت می رسند و از شخصیت حقوقی برخوردار می شوند . برخورداری از شخصیت حقوقی موجب جلب اعتماد مردم به آنها می شود و بعلاوه آنها می توانند با سازمان های دولتی قرارداد منعقد کنند و از تسهیلات مختلفی نظیر تسهیلات بانکی و ..... استفاده کنند .

#### مدیریت دموکراتیک و مشارکتی

ماهیت مردمی سازمان های غیر دولتی اقتضا می کند که فرآیند اداره آن از پایین به بالا و مشارکتی باشد . این ویژگی سبب می شود که اعضا همواره بر عملکرد مدیران نظارت داشته باشند و مدیران پاسخگوی عملکردشان در برابر اعضا باشند و در مجموع ، سازمان از پویایی بیشتر برخوردار شود.

#### خودگردانی

سازمان های غیر دولتی ، از نظر مالی خودگردان هستند . هر چند آنها از دولت، افراد خیر سازمان های بین المللی و..... کمک هایی دریافت می کنند ، با اینحال این کمک ها نباید موجبات وابستگی شان را به منابع کمک کننده فراهم کند . به طوری که سازمان های غیر دولتی از تعهدات اجتماعی و اهداف شان دور شوند .

غیر سیاسی : این سازمانها تعهد اجتماعی دارند. هدف اساسی آنها خدمت به اجتماع ، فقرا . گروه های آسیب پذیر ، رفع تبعیض-های جنسی ، نژادی ، مشکلات محیطی و... است ساز و کارهای تأسیس سازمان های غیر دولتی نیز با سازمان های سیاسی ( احزاب ) متفاوت است و معمولاً آنها در زمان تأسیس تعهداتی مبنی بر وارد نشدن به حوزه های سیاسی می سپارند. با اینحال، این ویژگی نباید به معنی اجتناب از حرکت های جمعی و انتقادی به برنامه-ریزهای دولتی و بین المللی تلقی شود . آنها می توانند از سازمان های دولتی و جهانی انتقاد کنند، برنامه هایشان را افشاء کنند و راهپیمایی های مسالمت آمیزی را برگزار نمایند.

#### طبقه بندی سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیر دولتی را بر اساس دامنه فعالیت می توان به ۵ دسته سازمانهای غیر دولتی محلی . شهری . ملی ، منطقه ای و بین المللی تقسیم کرد. ۱- سازمانهای غیر دولتی بین المللی و پزشکان بدون مرز، ..... ) ۲- سازمانهای غیردولتی منطقه ای ۳- سازمانهای غیردولتی ملی (سازمان نظام مهندسی کشاورزی، خانه کشاورز ، انجمن برنج کشور ) ۴- سازمانهای غیر

دولتی شهری ( اتحادیه های صنفی ، انجمن دانش آموختگان و غیره.... ) ۵- سازمانهای غیر دولتی محلی (نهادهای مذهبی مسجد ، تشکل جوانان روستا ، صندوق تعاونی محل

### نقاط قوت و ضعف سازمانهای غیر دولتی

نقاط قوت :

۱- سازمانهای غیر دولتی با بهره گیری از منابع انسانی داوطلب و جذب منابع مالی، با هزینه بسیار پائین ، قادر به تحقق اهدافی هستند که سایر سازمانها از انجام دادن آنها با آن حد هزینه ، قاصرند.

۲- سازمانهای غیر دولتی به علت تخصص میدانی و بومی بهتر می توانند نیازها و کمبودهای واقعی منطقه را تشخیص دهند و خود را به آسانی با شرایط و موقعیت منطقه ای واقع در آن تطبیق دهند .

۳- سازمانهای غیر دولتی قادر به جذب و جلب مشارکت گروههای داوطلب مردمی برای عملی کردن اهداف و برنامه های توسعه هستند.

۴- سازمانهای غیردولتی به دلیل خودجوش بودن، به اصول خود، پای بندتر و متعهدتر هستند اصولی که دولتها گاهی به دلیل حفظ منافع خارجی و یا ... به فراموشی می -سپارند(مانند حفاظت از محیط زیست و..)

۵- سازمانهای غیردولتی برخلاف سازمانهای دولتی صرفاً بر موضوعات محدود و خاصی تکیه دارند که این موجب تمرکز هدف در آنها و عملکرد بهتر آنها می شود.

۶- سازمانهای غیردولتی به دلیل آنکه با اهداف خیرخواهانه و بشر دوستانه و به صورت خودجوش در اجتماع ایجاد می شوند قادرند تا اعتماد مردم و اجتماعات محلی را در حد بالایی کسب نمایند . و مشارکت مردم را در امر برنامه های توسعه تسریع نمایند که نوعی اقتدار ، اعتبار و شایستگی را به آنها می دهد که ناشی از حس احترام و مقبولیت اجتماعی آنهاست.

۷- سازمانهای غیردولتی به دلیل انعطاف پذیری بالا و به دور بودن از بوروکراسی دولتی قادرند سریعتر و با کارایی بیشتر، پروژه های توسعه را عملی سازند.

نقاط ضعف :

۱- کارشناسی مالی و تأمین اعتبار برای برنامه ها در سازمانهای غیردولتی ضعیف است.

۲- ظرفیت عملکرد سازمانهای غیردولتی به خصوص محدود است (محدودیت مکانی، مالی، اداری و اجرایی)

۳- حضور و موجودیت سازمانهای غیردولتی به علت دورشدن آرام آرام از اهداف و کاهش انگیزه‌ها در طول زمان محدود است و دارای نقطه اوج و فرود زود هنگامی هستند (به خصوص در تشکلهای جوانان).

۴- مدیریت ضعیف شاید بتوان گفت مهم‌ترین مشکل در این سازمانهاست.

۵- سازمانهای غیر دولتی عموماً به تحویل خدماتی تمایل دارند که نتایج آن قابل لمس، کمی و کوتاه مدت باشد و بنابراین این پروژه های انجام شده نیز غالباً نا پایدارند

### تشکلهای غیر دولتی در ایران

کار دواطلبانه و بشر دوستانه در ایران تاریخ طولانی دارد؛ چنان که تاریخ باستان ایران شاهد حرکت‌های شکوهمند مردمی برای ارتقا و پیشرفت اجتماعی بوده است. و «گروههای خیریه مردمی» همواره نقش اساسی در یاری رساندن به افراد نیازمند ایفا کرده‌اند. با این همه، این گروهها از انجسام و ساختار نظام مند دور بوده‌اند و همین امر سبب شده است که نتوانند همگام با تحولات سریع اجتماعی و تنوع روز افزون نیازمندیها، پایه پای مؤسسات سازمان یافته نوین (سازمانهای غیر دولتی امروزی) به میدان بیایند و به یاری مردم بشتابند.

به هر حال آنچه که مسلم است این است که تشکلهای و سازمانهای مردمی در ایران از قدمت تاریخی و پشتوانه فرهنگی نیرومندی برخوردارند اگر چه پژوهشهای تاریخی در این زمینه بسیار اندک است، ولی می توان گفت که فرهنگ یاریگری در ایران که بر اساس تشکلهای مردمی است، سابقه‌ای طولانی دارد. در روستاهای ایران نیز مشارکت مردمی از دیر باز به اشکال مختلف از جمله همیاری در برداشت محصول، دفع آفات، کمک رسانی در هنگام وقوع بلاهای طبیعی وجود داشته است اما می توان گفت که یکی از کارآمدترین و مهم ترین اشکال همیاری در روستاهای ایران «بنه» بوده است. بنه ها به عنوان یک سازمان اجتماعی و مردمی برای تولید محصولات کشاورزی با میزان اراضی و حق آب (سهم آب) معین و مدیریت نیمه سازمان یافته در طول زمان تکامل پیدا کردند

مطالب ذکر شده در مورد سازمانهای مردمی به شکل سنتی آن بود. اما در مورد سازمانهای غیر دولتی به شکل امروزی وضع فرق می کند پایه های ابتدایی و اولیه سازمانهای غیر دولتی در ایران در جوامع شهری به صورت مشارکت مردمی در امور مربوط به اداره خانوارهای بی سرپرست، کاریابی برای بیکاران، دستگیری از مستمندان، تأسیس پرورشگاه، دارالمجانین، درمانگاه، مدرسه و..... توسط افراد خیر و معتمدین محلی در شهرهای بزرگ بنا نهاده شد.

امروزه آمار کاملاً روشنی از تعداد سازمانهای غیر دولتی در ایران وجود ندارد اما بر طبق تعریف خاصی که مرکز آمار از این گونه سازمانها داشتهیک سرشماری در سال ۱۳۸۳ از این سازمانها انجام گرفت که بر اساس آن نزدیک به ۶۸۴۸ سازمان غیر دولتی دارای مجوز در ایران مشغول به فعالیت هستند که مراکز عمده مجوز دهنده به این سازمانها، نیروی انتظامی، وزارت کشور، سازمان ملی جوانان، بهزیستی و سازمان حفاظت از محیط زیست بوده است. بر طبق این آمار عمده-ترین فعالیتهای این سازمانها در حوزه فرهنگی، آموزشی، امور حمایتی و خیریه و قرض الحسنه بوده است

و عمده ترین منبع تامین هزینه سازمانهای غیر دولتی در ایران کمک-های مردمی و تسهیلات و اعتبارات دولتی است که این نشان دهنده نقش پررنگ دولت و مردم در حمایت و تقویت این تشکلهاست بنابراین ضروری است این تشکلهای مردمی که عمدتاً جوان ونوپا هستند در ابتدای تشکیل، مورد حمایت و توجه بیشتر دولت قرار گرفته شوند، تا بدون سوء استفاده فرد یا گروهی از نقطه ضعف مالی این سازمانها، این نهادهای مردمی بتوانند به عنوان شریک و یار هوشمند دولت، کانال ارتباط دهنده آنها با مردم باشند، و خواسته-های واقعی مردم را به آنها انتقال داده و به مثابه «صدای مردم» بویژه گروههای محروم و مستضعف جامعه، دولتها را در تصمیم گیریها و اجرای برنامه-های توسعه کشور یاری نمایند.

اصطلاح سازمان غیر دولتی به معنایی که امروزه در سطح بین المللی مصطلح شده است، سابقه بسیار اندکی در ایران دارد در اصطلاح رایج امروز **NGOs** کوتاه شده «**Non Governmental Organizations**» است، به معنای سازمان های غیر دولتی؛ که به شکل ها، انجمن ها، کانون ها و نهادهای مردمی گفته می شود و در ایران اخیراً جهت بومی سازی رویکرد ها و جهت-گیری ها و تحول در این سازمانها متناسب با شرایط ایران، واژه سمن را جایگزین **NGO** نموده اند. سمن، کوتاه شده «سازمان های مردمی نهاد» است.

سازمانهای مردم نهاد در کشور های مختلف با توجه به فرهنگ موجود در آن کشور ، بر ای انجام امور داوطلبانه با گرایش های فرهنگی، خیریه ای، محیط زیست ، بشردوستانه و ... در چار چوب قوانین کشورها فعالیت میکنند.

این سازمانها معمولاً با همت افرادی پدید می آیند که تلاش بی قید و شرط و خالصانه و بدون چشم داشت را سرلوحه عمل خویش قرار داده و هرچند معمولاً بدون حمایت دولت ها در جامعه شکل می گیرند اما دارای تعاملات و ارتباطات دو جانبه با دولت هامیباشند و معمولاً در راه اهداف آرمانی و مقدس گام بر می دارند.

سازمانهای مردم نهاد یک پدیده اجتماعی محسوب می شوند ، و به نوعی بستر تأثیرگذاری آحاد جامعه را طی جریان ها و فرایندهای تخصصی فراهم می نمایند، لذا می توان گفت که مشارکت در این سازمانها سبب تشویق افراد جهت انجام خدمت به یکدیگر و احساس تعهد نسبت به یکدیگر میباشد.

فعالیت پایدار افراد در چنین بستری با وجود مولفه هایی چون اعتماد، وفاق ، هم سویی، صداقت و گذشت ممکن است و از آن جا که فعالین این سازمانه ا در جریان انواع مهارت ها، دانش ها و تجارب رشد می یابند، به میزان و عمق ارتباطات اجتماعی میان افراد و گروههای مختلف فعال در آنها به سرمایه های اجتماعی جامعه افزوده میگردد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، سازمانهای مردم نهاد بستر و فرصتی برای توسعه و ترویج فرهنگ دینی در جامعه تلقی شده و باید در جهت ارزشهایی همچون تعاون، ایثار همکاری های خیرخواهانه با بهره گیری از آموزه های دینی تلاش نمایند . و با اتکا به توانمندی ها و ظرفیت های خود با حمایت دولت ، خلاءهای موجود در جامعه را شناسایی و برای رفع آن بکوشند.

هدایت این سازمان ها به سوی فعالیت های هدفمند و تأثیرگذار ، اراده و عزمی ملی را می طلبد تا فعالیتهای آنها را برخواسته ها، نیازها ، ضرورتها و معیارهای جامعه اسلامی منطبق نماید . به منظور اصلاح و هدایت و ارتقاء کیفی این گونه سازمان ها ، وجود ضابطه های اخلاقی بسیار ضروری است ؛ شاخص های اخلاقی، ارزشها و ملاک ها و فضایل انسانی و رفتاری در فعالان این قبیل سازمان ها محسوب میگردد.

سازمانهای مردم نهاد از مهمترین سرمایه های اجتماعی و از مؤثرترین ره آوردهای تمدن بشری است .

حفظ و تعالی چنین سازمانهایی آسان تر از دست یابی به آنها نیست . به همین دلیل در برخی جوامع این فرصت به تهدید تبدیل می شود و به جای آنکه در توسعه و تعالی جامعه مؤثر افتد مانع رشد آن می شود . در باب سازمانهای مردم نهاد مطالعات فراوانی شده است . تحلیل های جامعه شناختی مباحث مدیریتی معطوف به مسایلی چون تعهدسازمانی، کارآیی، اثربخشی، سرآمدی، کارآفرینی سازمانی دیگروهیافتها به سازمان مردم نهاد بخشی از پژوهشهای معاصر است.

یکی از رهیافتها تا حدودی فراموش شده روی کرد اخلاقی به این سازمانها است.

از آنجا که اخلاق سازمانی هم در سرآمدی و ارتقاء سازمانهای مردمنهاد نقش دارد و هم در نقش اصلاح اجتماعی و هدایتی آنها مؤثر است، بحث از مسئولیتهای اخلاقی، ارزشها و ملاکها و فضایل رفتاری در این سازمانها اهمیت فراوان دارد .

سازمان مردم نهاد (NGO) چیست؟

NGO مخفف اصطلاح انگلیسی *non-governmental organization* به معنی سازمان غیر دولتی است. در زبان فارسی واژه «سازمان مردم نهاد» با اختصار «سَمَن» برای ترجمه این واژه انتخاب شده است .

در تمام این نوشتار واژه سمن را به معنای سازمانهای مردم نهاد به کار می بریم . هر گونه داوری در خصوص سازمان مردم نهاد و نقش اجتماعی آن در گرو تعریف آن است . ما برحسب تصویری که از امور داریم فعالیت خود را تنظیم می کنیم . تصور ما از هر امری نقش



مؤثری در ارتباط ما با آن امر دارد. برحسب تعریفی که از سازمان مردم نهاد داریم با آن مواجهه میکنیم. به همین دلیل قبل از هر بحثی باید تصور خودمان را از چیستی سازمان مردم نهاد مورد نقادی قرار دهیم<sup>1</sup> تعریف امور روشهای مختلف دارد. یکی از روشها تحلیل مفهومی است

### تعریف سازمان مردم نهاد:

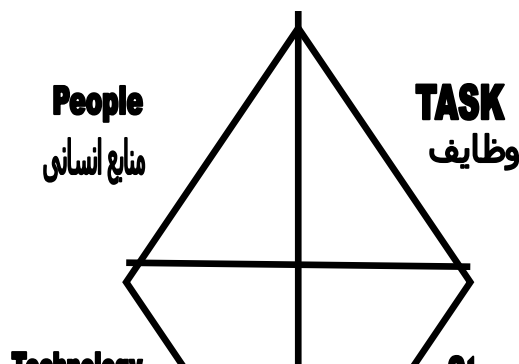
چیستی سازمان مردم نهاد را از طریق تحلیل عناصر درون ساخت مؤلفه های آن می توان به دست آورد. سازمان مردم نهاد از مؤلفه های زیر حاصل آمده است:

یک، گروه اجتماعی. مهمترین مقوم سازمانهای مردم نهاد هویت اجتماعی آنها است. چنین سازمانهایی لزوماً ساختار یک گروه اجتماعی را دارا هستند. اگرچه در آغاز ممکن است سمن به وسیله یک فرد ابداع گردد اما حتی تأسیس آن ماهیت جمعی دارد. مراد از اینکه سازمانهای مردم نهاد، بخش مهمی از جامعه مدنی اند با توجه به همین هویت جمعی آنها است. از آنجا که توجه به این امر نقش اساسی در فهم مسئولیتهای اخلاقی و ارزشها و ملاکهای اخلاقی دارد و گرایش و عملکرد اخلاقی گروه اجتماعی بسی پیچیده تر از عملکرد اخلاقی فرد است به توضیح و تشریح بیشتر و دقیقتر مفهوم گروه اجتماعی و نیز جامعه مدنی میپردازیم<sup>1</sup>. مراد از گروه اجتماعی مجموعه هایی از افراد است که به شیوه های منظم با یکدیگر کنش متقابل دارند. گروهها ممکن است از مؤسسات بسیار کوچک تا سازمانهای بزرگ یا جوامع را در بر گیرند. صرفنظر از اندازه گروه، یک ویژگی تعیین کننده آن آگاهی اعضاء گروه از هویت مشترک است. بیشتر زندگی ما در روابط گروهی می گذرد بطوری که در جوامع امروزی اکثر مردم به انواع گروه های مختلف تعلق دارند<sup>2</sup>. از آنجا که داشتن روابط و تأثیر و تأثرات متقابل و آگاهی از یک هویت جمعی از مؤلفه های اصلی گروه های اجتماعی است لذا این گروه هافراتر از هر نوع تجمع یا گروه بندیهای اجتماعی و جمعی متداول از جمله گروهبندی های آماری هستند<sup>3</sup>. اما جامعه مدنی از جمله مفاهیمی است که اخیراً بسیار مورد توجه و بحث قرار گرفته است و اختلاف نظرهای متعددی در باب آن وجود دارد اما تمام این دیدگاه ها اتفاق دارند بر اینکه این بخش از جامعه به حوزه فعالیت های عمومی تعلق دارد نه خصوصی یا شخصی و در چهارچوب قوانین موجود عمل می کند.

مقصود از آن بیشتر مشارکت های داوطلبانه در امور عمومی از جمله ارتباطات جمعی، اصناف حرفه ای و اتحادیه ها میباشد جامعه مدنی بخش میانی جامعه و رابط بخش خصوصی و دولت می باشد و نحوه فهم و تفسیر و آشنایی با ظرفیت های مثبت و منفی آن، تأثیر بسزایی در عملکردهای جمعی داوطلبانه از جمله سمن دارد که در ادامه به تشریح بیشتر آن خواهیم پرداخت.

دو، سازمان: تلاش جمعی هدفمند با تقسیم کار و مسئولیت مهمترین مؤلفه سازمان مردم نهاد است. بنابراین قوام سمن بر بیش از شخصیت حقیقی حاصل می آید. در اینجا مراد از سازمان، مفهوم رایج در دانش مدیریت است: امری دارای شخصیت حقوقی با آرمان، اهداف، اساسنامه، ساختار، شرح وظایف و منابع انسانی. بنابراین فعالیت سمن عمدتاً در قالب سازمان انجام می شود. سمن، سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل است که بنابر شرایط و مقتضیات و نیازهای خود دارای قانون مندی و اساسنامه مدون است و نیز در چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه ه ای اجرایی آن فعالیت می نماید<sup>2</sup>. با این حال سمن بر خلاف دولتها مشمول قوانین بین المللی نیستند البته به استثنای جمعیت صلیب سرخ که مشمول کنوانسیون ژنو می باشد. شورای اروپا در استراسبورگ پیش نویس کنوانسیون اروپا در مورد به رسمیت دانستن شخصیت حقوقی سازمان غیردولتی بین المللی را در سال ۱۹۸۶ تهیه نمود که پایه حقوقی برای حضور و فعالیت سمنها در اروپا محسوب می شد. همچنین بند یازده کنوانسیون حقوق بشر اروپا مبنی بر حقوق آزادی در همکاری و ارتباطات اصل اساسی و بنیادی برای سمنها به حساب می آید<sup>3</sup>. در هر سازمان دو تحلیل را باید مورد لحاظ قرار داد: تحلیل ارکان سازمان و تحلیل محیطی آن. اخلاقی سازی سمن بدون این دو تحلیل قابل تحقق نیست. هر سازمانی ارکانی دارد. منابع انسانی، شرح وظایف، فن آوری و ساختار سازمانی برحسب مدل لیویت ارکان اساسی سازمان است.

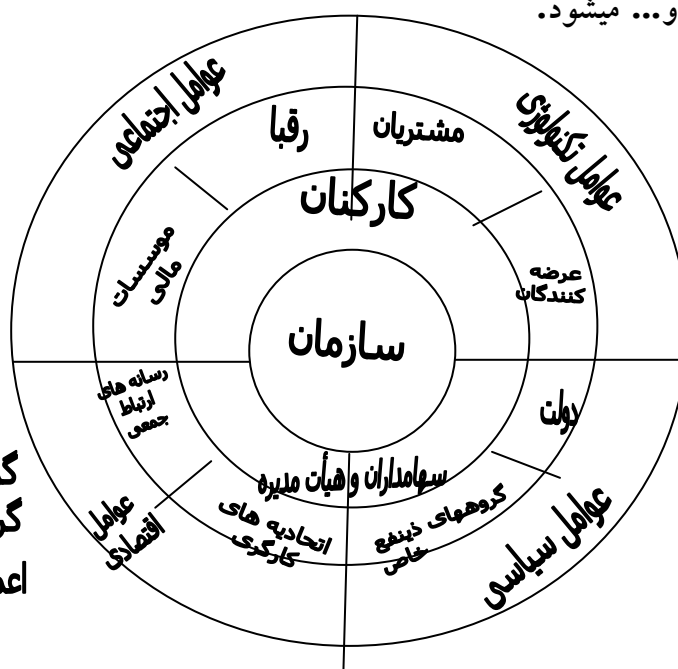
هویت سازمانی با همه ارکان آن



نمودار ( ۱-۱ ) : مدل *H.Leavitt*

پس توجه به هویت سازمانی سمن این ارکان را به میان می آورد و مراد از اخلاقی بودن سمن صرفاً اخلاق ورزی منابع انسانی نیست بلکه سایر ارکان نیز باید اخلاقی باشند.

تحلیل دوم در سازمان، شناخت تحلیلی محیط است زیرا اخلاقی بودن به معنای مسئولیت پذیری سازمان در قبال همه عناصر محیط است. هر سازمانی را دو محیط است . محیط درونی که شامل منابع انسانی مدیران، سهامداران و مؤسسان می شود و محیط دوم، محیط بیرونی است . و مراد از آن هر عنصری است که به نحوی بر سازمان مؤثر و یا از آن متأثر است . محیط بیرون شامل عناصر فراوان مانند مصرف کنندگان، تأمین کنندگان، رقبا، دولت، رسانه های گروهی و... میشود.



عواملی که بر سازمان اثر مستقیم میگذارد { گروههای ذینفع داخلی  
گروههای ذینفع خارجی  
اعمال نفوذ غیر مستقیم محیط

تأمل در هویت سازمانی سمن در شناخت معیارهای اخلاقی آن اهمیت فراوان دارد. زیرا سازمانهای مردم نهاد از آن جهت که سازمان اند و به عنوان شخصیت حقوقی مؤثر در جامعه از مسئولیتهای اجتماعی برخوردارند و لذا برای ایفای این مسئولیت باید واجد معیارهای اخلاقی خاصی باشند. سازمانهای مردم نهاد به دلیل اینکه به منزله سازمان از شخصیت حقوقی برخوردارند با عوامل مختلفی در تأثیر و تأثرند و لذا مانند هر سازمان دیگر دارای دو محیط درونی و محیط بیرونی اند. توجه به این امر در مسأله مهندسی ارزشها در چنین سازمانهایی اهمیت فراوان دارد. آیا تعامل سازمان مردم نهاد با محیط درونی و بیرونی تابع اصول، هنجارها و ارزشهای معینی است؟ سؤالی که در فصل چهارم به پاسخ آن خواهیم پرداخت.

سه، هویت غیر دولتی: مشخصه اصلی این سازمانها در غیردولتی بودن است. مفهوم غیر دولتی بودن می تواند معانی متعددی داشته باشد، ولی بطور عام به این معنی است که این سازمانها بخشی از دولت یا زیرمجموعه ای از ساختار و سازمانهای دولتی محسوب نمی شوند و می بایست از هر گونه دخالت و کنترل

مستقیم دولت دور باشند اگرچه سمن می تواند با دولت خود در سطح ملی و دولتهای دیگر در سطح بین المللی مرادوت فعال و تعامل دوسویه ایجاد کند و حتی در مواردی از دولت کمک های مالی دریافت کنند. حمایت دولت از سمن وظیفه اخلاقی دولت است. با اینحال نحوه ارتباط این گونه سازمانها با دولت از رابطه سازمانهای دولتی با آن متفاوت است. ممکن است سازمانی با ساختار مردم نهاد، در مواردی در جهت تکمیل و ارتقای سیاستهای دولت فعالیت می کنند و در عین اینکه زیرمجموعه ای از ساختار دولتی نیستند ولی تحت نظارت دولت قرار می گیرند و در تدوین برنامه و سیاستگذاری از استقلال تام برخوردار نیستند. این گونه از سازمانها را به معنای دقیق کلمه نمی توان سازمان مردم نهاد نامید.

تعبیر دقیق مردم نهاد این گونه سازمانها را به دلیل اینکه به وسیله دولت تأسیس و حمایت می شوند از تعریف سازمانهای مردم نهاد بیرون می کند.

سازمانهای مردم نهاد، گاهی نیز موضعی انتقادی در برابر سیاستهای دولت گرفته و خود بسته به اهدافشان سیاستها و راه کارهایی را تعریف و تعقیب می نمایند.

چهار، حیثیت تعاون: مهمترین حیثیت سمن به اصل همکاری، یادگیری و مشارکت در آن مربوط است. رابطه حاکم بر مناسبات درونی سازمان مردم نهاد، یاری یکدیگر در تحقق آرمان واحد است. در بیان مؤلفه دیگر تعریف سمن به این آرمان اشاره خواهد شد. مشارکت مهمترین قوام سمن است که اساساً پیدایش و ماندگاری آن را رقم میزند. مشارکت در سمن از گونه مشارکت مدنی است. البته مراد از حیثیت تعاون در سمن این نیست که سمن را متعلق به بخش تعاون به عنوان یکی از بخشهای سه گانه نظام اقتصادی ایران [بر مبنای اصل 44 قانون اساسی جمهوری اسلامی] دانست. تفاوت حیثیت تعاونی سمن با شرکتها و بنگاههای تعاونی به معنای رسمی کلمه را در مؤلفه پنجم سازمان بیان میکنیم.

پنج، جهت گیری غیر انتفاعی: مفهوم غیر دولتی بودن ممکن است این توهم را پیش آورد که چنین سازمانهایی هویتاً به بخش خصوصی تعلق دارند. چهارمین مقوم سازمانهای مردم نهاد تمایز آنها از بخش خصوصی است. سازمانهای خصوصی غالباً به کسب و کار متعلق اند و برخی از آنها فراتر از کسب و کار معطوف به سودآوری، به حرفه در مفهوم دقیق کلمه می پردازند مانند سازمانهای بهداشتی و درمانی در بخش خصوصی. اما سازمانهای مردم نهاد غالباً اهداف کسب و کارانه و یا حتی حرفه ای را دنبال نمی کنند. به همین دلیل تعبیر «سازمان مردم نهاد» دقیقتر از «سازمان غیردولتی» است. امروزه واژه غیر انتفاعی از جمله واژه هایی است که مورد ستم واقع شده اند و مفهوم ژرف خود را از دست داده اند. جهت گیری غیر انتفاعی مقوم مهمی در هویت سازمانی مردم نهاد است.

این سازمانها به جای جهت گیری کسب و کار و سودگرایی به مبارزه با فساد اخلاقی در جامعه به ویژه در حرفه ها و یا تلاش در راه توسعه اجتماعی و ارتقاء سطح رفاه، بهداشت، امنیت روانی جامعه میپردازند. پس باید بین سمن و سازمانهای فعال در دو بخش خصوصی و دولتی تمایز نهیم. اگر جامعه را شامل سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی بدانیم، سازمانهای غیر دولتی عمدتاً در بخش جامعه مدنی تعریف می شوند. البته باید دقت کرد که سمن ها جامعه مدنی نیستند که بعنوان متصل کننده، میانجی و بیان کننده منافع شهروندان از طریق گفتمان و نقد سیستم اجتماعی خدمت کنند. عقاید شهروندان را بیان می کنند و بین دولت و افراد خصوصی قرار می گیرند و لذا بخشی از جامعه مدنی هستند تفاوت بخش خصوصی با سازمان مدنی در این است که شکل سازمانی بخش خصوصی که بنگاه یا

شرکت است صرفاً در پی سود و رقابت است در حالیکه شکل سازمانی جامعه مدنی که سازمان غیردولتی است بیشتر در پی ترویج همکاری در کنار رقابت و تأکید بر توسعه پایدار و همه جانبه در کنار کسب سود کوتاه مدت، و توانمندسازی و ارتقاء و افزایش مشارکت بوده مردم در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به منظور بیان نیازها و احقاق هر چه بیشتر حقوق خود است همیاری سازمان در سمن به اهداف سودجویانه معطوف نیست و لذا فعالیت آنها اساساً فعالیت تجاری و بدست آوردن سود نیست. سازمانهای مردم نهاد، خود را طرفدار اصولی چون ارائه خدمات عام، احترام به حقوق بشر، داشتن آرمان، مسئولیت پذیری، همکاری برون مرزی، اهمیت دادن به توده ها و عامه مردم، پاسخگویی، صداقت، شفافیت و صراحت، ساختار غیر سودجویانه، اتخاذ رویکرد جامع و داوطلبانگی می دانند<sup>۳</sup>. به همین دلیل بسیاری از سازمانهای مردم نهاد صرفاً به فعالیت های امدادی، تلاش برای پیشگیری و مبارزه با جرمهای سازمان یافته، مانند پول شویی، می پردازند. بنابراین سازمان مردم نهاد، بر اساس تعریف از پنج مقوم حاصل می آید که در نمودار (۳-۱) آمده است.

تأمین بودجه:

غیر انتفاعی بودن فعالیتهای سمن سؤال از نحوه تأمین بودجه آنان را به میان می آورد. بحث از نحوه تأمین بودجه سازمانهای مردم نهاد در رهیافت اخلاقی به آنها اهمیت فراوان دارد. به همین دلیل به اختصار از نحوه تأمین منابع مالی سمن بحث میکنیم: امروزه برخی سمن ها از بودجه های چند صد میلیون دلاری برخوردارند. این بودجه ها از راه های متعددی تأمین می شوند از جمله هزینه حق عضویت، فروش اجناس و خدمات و انتشار کتب و مجلات، کمک های سازمانهای بین المللی و همانطور که در ابتدا هم گفتیم، دولتها، مؤسسات خیریه و کمک های شخصی بحث تأمین بودجه سمن امروزه چالشهای گوناگونی را در باب اخلاق مانند استقلال و بی طرفی سمن به میان آورده است. به طوری که موارد زیادی مشاهده می شود که سمن ها در تأمین بودجه توقف کرده یا در آن غرق می شوند به گونه ای که از اهداف اصلی که برای آن شکل گرفته اند محروم می مانند و یا اینکه بعلت بودجه ای که از برخی

مؤسسات یا دولتها دریافت می کنند استقلال و ارزشهای خود را خدشه دار می سازند و ملزم به تبعیت از برخی خط مشی ها می شوند.

نحوه تأمین بودجه سازمانهای مردم نهاد با اخلاق حرفه ای نسبت پیچیده ای دارد. علاوه بر مسأله استقلال با مسایل اخلاقی دیگر مانند پول شویی نیز می تواند مرتبط باشد. نحوه دریافت کمکهای مالی و منبع آن محتاج تحلیلهای اخلاقی و فقهی است.<sup>۱</sup> حرفه ای بودن فعالیت سمن:

در برخی از مؤلفه های سازمان مردم نهاد بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد. از جمله در خصوص حرفه ای بودن فعالیت سازمان مردم نهاد است. در مباحث قبلی روشن شد که سمن جهت گیری کاسب کارانه ندارد و به منزله یک کسب و کار فعالیت نمیکند اما آیا فعالیت این سازمان را می توان از جمله فعالیتهای حرفهای دانست؟ و اگر پاسخ مثبت باشد آیا حرفه ای بودن از مؤلفه های تعریفی آن است؟ پاسخ دقیق آن است که نوع فعالیت سمن و اعضای آن، برحسب جهت گیری و اهدافش تعیین می شود. در برخی سازمانها صرفاً اشتغال در میان است و برخی در حد شغل فعالیت می کنند و برخی فراتر از آن به فعالیت حرفه ای می پردازند. مراد از اشتغال آن است که فرد در مواقعی به کار پردازد بدون آنکه چنین فعالیتی شغل وی محسوب شود. در سمن های امدادی غالباً افراد اشتغال دارند، اشتغال داوطلبانه. مراد از شغل، فعالیتی است که به نحو تمام وقت به آن می پردازیم و به ازای آن به نحوی جبران خدمت می یابیم. این جبران خدمت لزوماً حقوق و درآمد نیست. حرفه تفاوت کیفی با شغل دارد. اگر شغل با مؤلفه هایی چون دانش تخصصی، تجربه، مهارت، توانایی، نگرش راهبردی و سیستمی و مرام خلاق همراه باشد، در حد حرفه تعالی مییابد

در باب عناصر سازنده حرفه ای بودن نزد صاحب نظران اختلاف است. آنچه بیان شد حداقل مؤلفه هایی است که مقبول همه اندیشمندان است. و مراد از تجربه در اینجا، هرگونه تجربه ای نیست. تجارب افراد می تواند به صورت خام و تحلیل نشده باشد. همانگونه که تجارب ما می تواند مرتبط به شغلیمان باشد یا نه. بنابراین مراد از اینکه آدمهای حرفه ای مجرب اند این است که آنان از تجارب تحلیل شده، مفید و مرتبط با شغل خویش برخوردارند. سازمانهای مردم نهاد معطوف به صنف و نیز سازمانهای مردم نهاد و هدایتگر غالباً فعالیت حرفه ای دارند. یکی از مباحث پرچالش در تحلیل هویت سازمانهای مردم نهاد این

است که صرف نظر از اینکه فعالیت این سازمانها معطوف به چه زمینه هایی است، آیا فعالیت یک سازمان مردم نهاد فعالیت حرفه ای است یا حرفه نما و یا امر دیگری است؟ به عنوان مثال جمعیت هلال احمر یک سازمان حرفه ای است و امدادگری یک حرفه است که پاسخ به این سؤال به تصور ما از حرفه وابسته است<sup>۱</sup> پرداختن به هر کاری حداقل سه گونه است: فعالیت غیر تمام وقت و نامنظم که از آن به اشتغال تعبیر می کنیم و فعالیت تمام وقت و منظم که شغل فرد را تعیین می بخشد و فعالیت تمام وقت مبتنی بر دانش خاص، انتظام صنفی، مرام اخلاقی، مهارت و توانایی فنی معین. قسم سوم را حرفه می نامیم. امروزه سازمانها، اعم از بنگاههای انتفاعی، سازمانهای کسب و کار، مؤسسه های دولتی به حرفه ای بودن گرایش یافته اند. به همین دلیل سمن یک سازمان حرفه ای نیز است این امر به ویژه در سمن معطوف به صنف اهمیت فراوان دارد. علت اینکه حرفه ای بودن را در تعریف سمن اخذ نکردیم این است که حرفه ای بودن ویژگی عارضی و غیر شامل است.

اختلاف نظر مشابهی بین حرفه ای بودن و فراغتی بودن فعالیت های سمن نیز وجود دارد بدین نحو که آیا فعالیت های سمن به حوزه یک حرفه مربوط است یا افراد دخیل در سمن بخشی از اوقات فراغت خود معطوف به آن می دانند

از آنجا که تعریف و محدوده اوقات فراغت متفاوت از تعریف محدوده حرفه است، التزام به هر یک از این دیدگاه ها در باب نحوه فعالیت در سمن، آثار و تبعات مهمی به دنبال دارد. اوقات فراغت را عمدتاً مجموعه فعالیت هایی تعریف میکنند که شخص به میل خود خواه برای استراحت، خواه تفریح و یا حتی گسترش اطلاعات و آموزش شخصی یا مشارکت آزاد اجتماعی و یا بکارگیری خلاقیت در زمانی فارغ از تعهدات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به عهده می گیرد<sup>۱</sup>. این تعریف نشان می دهد که فراغت اقسام متعددی داشته از استراحت و تفریح تا انجام فعالیت هایی جهت ارتقاء اطلاعاتی و مهارتی را نیز در بر می گیرد که معمولاً فراغتهایی از نوع اخیر را فعالیت های فراغتی فرهنگی یا تعالی بخش می نامند. بنابراین دامنه تعریف، می توان به نحوی فعالیت در سمن را نیز بخشی از فراغت های فرهنگی و تعالی بخش به حساب آورد اما نکته مهم در اینجا این است که در تلقی فعالیت در سمن بعنوان بخشی از اوقات فراغت اولاً، آن را متفاوت از فراغتهای تفریحی و استراحتی بدانیم ثانیاً، از ظرفیت های مثبت فراغتی بودن فعالیت در سمن کمال استفاده را بنماییم.



1- NGO به معنی سازمان غیردولتی است ، در زبان فارسی واژه «سازمان مردم نهاد» با اختصار «سمن»

برای ترجمه این واژه انتخاب شده است.

۲- سمن بنا به تعریف حداقل از پنج مؤلفه سامان می یابد : عبارتند از:

گروه اجتماعی ، سازمان ، هویت غیردولتی، حیثیت تعاون ، جهت گیری غیر انتفاعی.

۳- اهداف و جهت گیری فعالیت سمن گوناگون است و بر این اساس برخی از آنها صرفاً اشتغال اند و برخی دیگر در حد شغلند و برخی فراتر از شغل، فعالیت حرفه ای دارند، سازمانهای مردم نهاد و معطوف به صنف در واقع سازمان حرفه ای اند این امر به ویژه در سمن معطوف به صنف اهمیت فراوان دارد.

۴- سمن سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل است که بنا بر شرایط و مقتضیات و نیازهای خود دارای قانونمندی و اساسنامه مدون است.

سازمانهای مردم نهاد : گونه ها و فعالیتها :

در فصل پیش . در پرتو تعریف سمن مؤلفه های آن را ، هویت اجتماعی ، ساختار غیر دولتی ، جهت گیری غیر انتفاعی و هویت سازمانی ، جهت گیری همیاری و تعاون شناختیم . هم چنین به ویژگی مهم برخی از آنها یعنی حرفه ای بودن اشاره کردیم . در این فصل به بحث از فعالیتها و گونه های سمن و پیشینه آن میپردازیم.

مسئله نخست این است که سازمانهای مردم نهاد به لحاظ فعالیت چه قلمروی دارند؟ آیا آنها در هر زمینه ای فعالیت می کنند؟ آیا فعالیت آنها حد و مرزی دارد؟ آیا پرداختن به حرفه ای یا فعالیتی معین با هویت مردم نهاد بودن آنها ناسازگار است؟ پاسخ به این مسأله در گرو شناخت گونه های مختلف سمن است . زیرا سازمانهای مردم نهاد از بدو پیدایش تاکنون تنوع فراوان فعالیتی یافته اند . البته طبقه بندی سمن برحسب نوع فعالیتها یکی از طبقه بندیهای رایج است . تنوع فراوان سازمانهای غیردولتی سبب شده است که دانشمندان طبقه بندیهای مختلفی از آن ارائه دهند

انواع سازمانهای مردم نهاد

سازمانهای مردم نهاد را به طرق متفاوت می توان دسته بندی کرد . یک نوع طبقه بندی می تواند بر حسب زمینه فعالیت آنها باشد . این سازمانها در زمینه های بسیار مختلفی چون : فرهنگی، اجتماعی، آموزشی - پژوهشی یا آموزش - فنی و حرفه ای، تفریحی، مذهبی، صنفی، توسعه ای، زیست محیطی، انسان دوستانه، حقوقی و حقوق بشر، اضطراری، خانواده و سلامت، اخلاقیات و ارزشها، منابع انسانی و طبیعی، صلح و امنیت، پناهجویان وضعیت زنان ملل متحد، توانمندسازی اقلیت های قومی - نژادی - زبانی و ... فعالیت می کنند.

همه این فعالیتها، علی رغم تنوع و گوناگونی، از یک خصلت مشترک برخوردارند و آن جهت گیری غیر انتفاعی است که در فصل پیشین مورد اشاره قرار گرفت . سازمانهای مردم نهاد فعالیتهای بسیار گسترده و متنوعی دارند اما در هیچ زمینه ای به کسب و کار نمیپردازند و اهداف سودگرایانه ندارند . در باب اینکه این سازمانها بودجه خود را چگونه تأمین می کنند در آینده بحث خواهیم کرد. همان گونه که بیان شد برحسب زمینه های گوناگون فعالیتی ، می توان انواع سازمانهای مردم نهاد را متمایز کرد . مانند سازمانهای صنفی، حرفه ای، قومی و ... نوع دیگر طبقه بندی سازمانهای مردم نهاد بر حسب سطح یا منطقه فعالیت آنها است که شامل سطح محلی، ملی و بین المللی می شود. اغلب سازمانهای مردم نهاد در سطح محلی ساختار کوچک و ساده ای دارد و شکل سازمانی پیچیده ای ندارد و اهداف و برنامه های خود را هم برحسب نیازهای محلی تعریف می کند. سازمانهای مردم نهاد که در سطح ملی فعالیت میکنند دارای چندین شعبه و دفتر نمایندگی اند که اغلب دفتر مرکزی در پایتخت یا یک شهر بزرگ استقرار دارد و توسط کارمندان نسبتاً زیادی اداره می شود و با شعبات محلی خود در ارتباط هستند . اهداف محلی را با لحاظ اهداف ملی تعریف و تعقیب می نمایند . و به همین دلیل از ساختار سازمانی پیچیده ای برخوردارند. گاهی نیز *NGO* های ملی چند کشور با هم ادغام شده *NGO* های بین المللی می سازند که در سطح کشورهای مختلفی که می توان در جنبه هایی سنخیت ها و مشابهت هایی در آنها یافت دفاتر نمایندگی و عضو دارند که هدف یا اهداف مشترکی در سطح تمام این کشورها تعقیب می نمایند. در هر صورت طبق تعریف سازمان ملل *NGO* های بین المللی سازمانهایی هستند که با توافق میان دولتها بوجود نیامده اند. اینگونه *NGO* ها اغلب ساختار سازمانی پیچیده ای می یابند و به شکل بوروکراتیک و دیوان سالاری سازمانهای عظیم دولتی و خصوصی نزدیک می شوند .

نوع سطح یک سازمان مردم نهاد در نقش و مسئولیت اخلاقی آن تأثیر ژرفی دارد. سطح و قلمرو جغرافیایی فعالیت سمن با ملاکها و مسئولیتهای اخلاقی آن نسبت معناداری دارد زیرا ملاک اخلاقی در سازمانهای فراملی وسیعتر از ملاکهای اخلاقی سمن در سطح ملی است، همانگونه که معیارهای اخلاقی در سازمانهای مردم نهاد ملی بسی فراتر از این ملاکها در سمنهای محلی است.

طبقه بندی رایج دیگری نیز برای *NGO* ها بکار می رود که آنها را به دو گروه عملیاتی<sup>۱</sup> و حمایتی<sup>۲</sup> تقسیم می کند.

سازمانهای عملیاتی: هدف اصلی شان تدوین و اجرای پروژه های توسعه است،

سازمانهای حمایتی: هدف اصلی شان دفاع در برابر یک معضل خاص و تأثیرگذاری بر سیاستها و رویه های نهادهای خاص است<sup>۳</sup>

در این باره بحث مفصلی خواهد آمد. هم چنین بر اساس یک تقسیم بندی دیگر بسته به اهداف کوتاه مدت یا بلند مدتی که تعقیب می کنند نیز طبقه بندی می شوند.

بر طبق تقسیم بندی دیگری که دیوید کورتن در کتاب ورود به قرن بیست و یکم، از *NGO* انجام می دهد آنها را شامل ۴ بخش می داند:

۱. سازمانهای داوطلبانه که مأموریتی اجتماعی را با استفاده از تعهدی که به ارزشهای مشترک دارند تعقیب می کنند.

۲. پیمانکاران خدمات عمومی که وظیفه دارند بعنوان کسب و کارهای غیر انتفاعی بازارمدار به اهداف عمومی خدمت کنند.

۳. سازمانهای مردمی که تجلی بخش منافع اعضاء شان بوده و دارای رهبری پاسخگو به اعضا می باشند و اساساً دارای ویژگی خود اتکایی هستند

۴. سازمانهای غیردولتی حکومتی که بوسیله حکومت ایجاد شده اند و بعنوان ابزار خط مشی های حکومت ایفاء نقش می کنند<sup>۴</sup>

این طبقه بندی ها و تقسیمات به هیچ وجه انحصاری نیستند و صرفاً برای فهم بهتر ساختار *NGO* بکار می روند. بعنوان مثال یک *NGO* می تواند در زمینه مذهبی، در سطح

ملی با پیگیری اهداف کوتاه مدت و بلند مدت صرفاً به شکل حمایتی فعالیت کند.

NGO ها با هر نوع فعالیتی به طرق و شیوه های مختلفی کار می کنند. گاهی فقط جنبه مشاوره ای و برنامه ریزی دارند گاهی فعالیتهای آنها جنبه اجرایی می یابد و آنها پروژه هایی را پیاده می کنند و گاهی نیز در هر دو زمینه فعالیت می کنند و در هر حال باید از ارتباطات عمومی قوی برخوردار باشند چرا که هدف اصلی آنها عامه مردم است.

طبقه بندی برحسب جهت گیری سازمانی :

آنچه بیان شد ، گزارش دیدگاههای دانشمندان مغرب زمین در تقسیم بندی سمن است . در یک طبقه بندی دقیقتر می توان سازمانهای مردم نهاد را برحسب جهت گیری فعالیت آنها چند قسم دانست :

یک، سازمانهای دفاع از حقوق انسانها : بسیاری از سمن ها در پی دفاع از یک حق یا حقوق انسانها و یا دفع یک محرومیت تأسیس میشوند . این سازمان غالباً به صورت واکنش در قبال تعدی و ستم به وجود می آیند و ماهیت و آرمانی کاملاً اخلاقی دارند . به عنوان مثال ، بسیاری از سازمانهای فراملی در برابر جرم های سازمان یافته و جهانی بوجود آمده اند . جمعیتهای دفاع از حقوق مصرف کننده ، جمعیت دفاع از فلسطین ، سازمانهایی که به مبارزه مستمر با قاچاق آدم ، پولشویی ، تولید اسلحه کشتار جمعی و ... می پردازند . این سازمانها می توانند در سطح محلی ، ملی ، منطقه ای و جهانی فعالیت کنند .

دو، سازمانهای حمایت از محیط زیست : برخی از سازمانها مانند قسم نخست هویت دفاعی و نجات بخش دارند و به حمایت از ستم بر منابع طبیعی و محیط زیست می پردازند . گروه های سبز و جمعیتهایی که مروج دوستی با طبیعت و دفاع از حیوانات نمونه های بارز چنین سازمانهایی اند . این سازمانها نیز در سطوح مختلف شخصی تا جهانی فعالیت دارند .

سه ، سازمانهای امدادگر : بسیاری از سازمانهای مردم نهاد به عنوان گروههای امداد در شرایط بحرانی و حوادث غیرطبیعی سازمان میابند . حوادث بحران آور مانند زلزله ، سیل ، جنگ و ... آسیب جبران ناپذیر جامعه بشری می آورند و انسانهای در معرض این بحران محتاج یاری رسانی هموعان هستند . سازمانهای امدادگر برای ارائه چنین خدماتی ارایه می شوند و شامل خدمات درمانی ، بهداشتی ، امکان ، غذا ، مراقبت روحی و ... میشوند جمعیت های هلال احمر ، سازمانهای صلیب سرخ در دو سطح ملی و منطقه ای نمونههای بارز آنهاست .

چهار، سازمانهای صنفی: بسیاری از سازمانهای صنفی که هویت مردم نهاد دارند از نقش هدایتی برخوردارند. این سازمانها دارای اعضای خاص صنفی اند و در قبال صاحبان صنف که عضویت میابند نقش حمایتی و هدایتی دارند. آنان علاوه بر حمایت از اعضا در چارچوب مقررات به رهبری اعضا در جهات مختلف می پردازند.

ارتقاء سطح دانش، مهارت، توانایی، نگرش ویژه حرفه ای اعضا فعالیت اصلی چنین سازمانهایی است. در ایران بسیاری از اصناف از چنین سازمانهایی برخوردارند. جامعه مهندسان مشاور، کانون وکلا، انجمنهای حرفه ای نمونه هایی از سمنهای صنفی اند.

پنج، سازمانهای هدایتی: سازمانهای مردم نهاد را علی رغم زمینه های فعالیت بسیار متنوع، مانند فرهنگی، صنفی، علمی، ... به دو گروه میتوان تقسیم کرد. سازمانهایی که در پی رفع محرومیت و برطرف کردن وضعیت ناگوار در عرصه های مختلفند و سازمانهایی که در پی رهنمون ساختن جامعه از وضعیت خوب به عالی اند. سازمانهایی که در پی ارتقاء سطح رفاه و بهداشت و تعالی فرهنگ معنوی و ترویج ارزشهای انسانی اند.

NGO ها معمولاً در عضوگیری محدودیتی قائل نمی شوند. و حتی از افزایش هر چه بیشتر اعضا استقبال می کنند اما اغلب افراد داوطلبانه به عضویت NGO در می آیند حتی افرادی که آن را سازماندهی می کنند. البته همیشه هم اینطور نیست و ممکن است افرادی برای درآمدزایی هم به فعالیت در NGO بپردازند

جدول ( ۱ - ۲ ): انواع طبقه بندی سازمانهای مردم نهاد

ملاک طبقه بندی	گونه های سمن
زمینه فعالیت	فرهنگی، اجتماعی، آموزشی - پژوهشی یا آموزش - فنی و حرفه ای، تفریحی، مذهبی، صنفی، توسعه ای، زیست محیطی، انسان - دوستانه، حقوقی و حقوق بشر، اضطراری، خانواده و سلامت، اخلاقیات و ارزشها، منابع انسانی و طبیعی، صلح و امنیت، پناهجویان وضعیت زنان ملل متحد، توانمندسازی اقلیتهای قومی - نژادی - زبانی

سطح فعالیت	محلی، ملی، بین المللی، عملیاتی و حمایتی
جهت گیری سازمانی	سازمانهای داوطلبانه، پیمانکاران خدمات عمومی، سازمانهای مردمی، سازمانهای غیر دولتی، سازمانهای دفاع از حقوق انسانها، سازمانهای حمایت از محیط زیست، سازمانهای امدادگر، سازمانهای صنفی، سازمانهای هدایتی

### خلاصه :

۱. همه فعالیتهای سازمان مردم نهاد علیرغم تنوع و گوناگونی از یک خصلت مشترک برخوردارند و آن جهت گیری غیرانتفاعی است. این امر در تأمین بودجه سمن به منزله یک خط مشی مورد توجه قرار میگیرد.
۲. طبقه بندی رایج دیگری برای NGO ها بکار میرود که آنها را به دو گروه عملیاتی و حمایتی تقسیم میکند.
۳. اما ساختار NGO ها در ایران را می توانیم به سه نوع سنتی در سطح محلی، نیمه سنتی یا نیمه مدرن در سطح ملی و مدرن در سطح ملی و بین المللی تقسیم کنیم.
۴. سازمانهای مردم نهاد به گونه های مختلفی چون دفاع از فنون انسانها، حمایت از محیط زیست، امدادگر، معطوف به فعالیتهای صنفی و سازمانهای هدایتی تقسیم میشوند.
۵. سازمان مردم نهاد سابقه طولانی دارد و نشانه هایی از حضور فعال آنها را در دوره ایران باستان نیز می توان نشان داد. اما شکل نوین سمن از نیمه قرن نوزدهم میلادی ظهور یافت.
۶. تشکلهای غیر رس می و غیر انتفاعی در ایران باستان و در تمدن هزار و چند ساله اسلامی فعالیت داشته اند. آموزه های دینی در قرآن و روایات بر همیاری و تعاون در امور خیر تأکید دارند.

۷. سرچشمه‌های مختلف ارزشهای حاکم بر سمن ( ایران باستان، آموزه‌های اسلامی و فرهنگ غربی ) میتواند سازمان مردم نهاد را با تعارض ارزشها روبرو کند و راه پیشگیری و درمان این امر مهندسی ارزشها و سامانبخشی به اخلاق سمن است.

#### پیشینه تاریخی سازمانهای مردم نهاد :

جستجو از پیشینه و سوابق سازمان مردم نهاد در تمدن بشری ، هویت و نقش آن را بیشتر آشکار می کند . آیا سمن امر نوپدید است که در شرایط خاص اقتصادی اجتماعی و در تمدن معینی متولد شده است؟ آیا تمدنهای پیشین م انند تمدن ایران باستان از سمن برخوردار بوده اند؟ در گزارش اجمالی از این بحث به سمن

در ایران نیز اشاره می کنیم .تطور تاریخی شکل گیری و فعالیت سمن نشان می دهد که تجدیدگرایی تأثیر ژرفی بر ساختار و جهتگیری این سازمانها نهاده است و آنها را بیش از پیش رواج داده است.

#### پیشینه و بستر پیدایش سازمان مردم نهاد :

توجه به زمینه های پیدایش و رشد سازمانهای مردم نهاد در تحلیل هویت و ابعاد آن نقش مؤثری دارد . اصطلاح سازمان مردم نهاد در معنایی که امروزه از آن فهمیده می شود برای اولین بار در حدود سال ۱۹۴۵به میان آمد ، یعنی زمانیکه سازمان ملل متحد برای تفکیک بین سازمانهای متعددی که با آنها در ارتباط بود هرگونه بدنه و ساختار غیردولتی و غیر انتفاعی را *NGO* نامید بویژه سازمانهایی که نقش و جایگاه مشاوره ای داشتند و از طرفی نه زیر مجموعه دولتها بودند و نه عضو حکومتی . این مفهوم پس از آن به ترویج مقبول افتاد و در اثر رواج عمومی به شکل اصطلاح رایج درآمد . سازمانهای مردم نهاد، اساساً در روزگار باستان نیز فعال بوده اند . به ویژه در حرف و مشاغل، انجمنهای صنفی با همه ویژگیهایی که امروزه، در تعبیر سازمان مردم نهاد بیان می شود، فعالیت داشتند . در شهرهای اسلامی، نظام انجمنهای صنفی تمامی جمعیتی را که در زمینه های اقتصادی، تولید، توزیع و خدمات فعالیت می کردند، دربرمیگرفت . کارکنان عالی رتبه دولت، افسران ارتش و دانشمندان علوم دینی از آن مستثنا بودند و همه جمعیت شهرنشین برحسب حرفه و شغل خود، انجمنهای صنفی تشکیل میدادند . در میان این جمعیتها، نه تنها پیشه وران و کسبه، بلکه خوانندگان، دلان،

فروشنندگان به مزایده، موسیقی دانان، نقالان، مکاریها، قایق رانان و کسانی هم که به کارهای طرب انگیز روزانه اشتغال داشتند، جای داشتند.

نظام انجمنهای صنفی صاحبان کارخانه های نشاسته، دباغ خانه ها، رنگرزیها و کارگاههای گوگردار را نیز گرد هم می آورد. این صنایع کم اهمیت و صنایع دیگری از این نوع هرگز در بازارها جایی نداشتند و به سبب بوی بد کالاهای تولیدی خود، در حومه فعالیت میگردند.

این انجمنهای صنفی، خلق الساعه نبوده اند و ریشه در شهرهای پیش از اسلام داشته اند. در کشورهای اسلامی، اصناف افزون بر تعلیم شاگرد برای مشاغل گوناگون اهل هر صنف، کتابهایی نیز درباره حرفه خود تألیف می کردند. همچنین اطلاع رسانی از راه مکاتبات هم میان افراد یک صنف وجود داشته است.

سازمانهای صنفی در کشورهای اسلامی، معمولاً خسارات وارده بر هریک از اعضای خود را در موارد گوناگون جبران، و امنیت شغلی آنان را حتی الامکان تأمین می کردند. همکاری میان افراد یک پیشه تا بدانجا می رسید که اگر یک تن از آنها نیازمند می گردید، بازار را منحصراً برای او رها میکردند. ریشه های شکل گیری و سپس حضور این سازمانها را در رویکرد نوین می توان از نیمه قرن نوزدهم میلادی شناسایی کرد.

آنها نقش مهمی در جنبش های ضد برده داری و جنبش های حقوق زنان و بویژه کنفرانس جهانی خلع سلاح ایفا کردند<sup>۱</sup>. قبل از این هم بصورت سازمانهای خیریه و امدادرسان فعال بودند که به ارائه خدمات رفاهی و خیریه برای افراد فقیر و بیچاره در سراسر دنیا می پرداختند و با آغاز جنگ جهانی دوم امداد به آسیب دیدگان و پناهندگان را نیز عهده دار شدند و اغلب هم در قالب فعالیت مبلغان مسیحی خدمت می کردند. بعد از این سازمانهایی بدون گرایش مذهبی هم پدیدار شدند که هدفشان صرفاً خدمت رسانی به مردم بود که علاوه بر حضور در کشورهای توسعه یافته و عمدتاً اروپایی حوزه فعالیت خود را وسیعتر کرده در کشورهای در حال توسعه هم به فعالیت پرداختند و از این مقطع بود که مبحث توسعه در فرهنگ لغت سازمانهای غیر دولتی از اهمیت خاصی برخوردار باشد<sup>۲</sup>.

لازم است ریشه ها و علل شکل گیری این بخش خودیار جامعه را که بعدها جامعه مدنی نام گرفت مورد بررسی قرار دهیم. از اوایل قرن هجدهم پدیده سرنوشت سازی در تاریخ اروپا



به نام انقلاب صنعتی رخ داد که نه تنها دگرگونی در روش و فنون تولید بود که تمام جنبه های زندگی انسانی را تحت تأثیر قرار داد.

افزایش سریع جمعیتی، شهرنشینی، افزایش امید به زندگی، تغییر اساسی در نقش زنان و نوجوانان، افزایش زیاد تولید و مصرف سرانه، تقسیم کار پیچیده اجتماعی و تخصصی شدن، تغییر ساختار حکومتی و نوع وظایف آن، آموزش رایگان و افزایش میزان سواد و دانش بشری که نوعاً شکل زندگی انسان و ساختار اجتماعی و اقتصادی را تغییر دادند. با صنعتی شدن یک جامعه صدها قشر و طبقه اجتماعی جدید به وجود آمد که هر یک پایگاه اجتماعی خاص و دیدگاه و منافع خاص خود را داشتند. از طرف دیگر دولت هم پیچیده تر شد و وظایف متعددی را بر عهده گرفت و بنابراین شکافی بین مردم و دولت بوجود آمد و افراد انسانی اتصال خود را نسبت به پیکره جامعه و دولت از دست دادند.

در نتیجه شرایط عینی لازم برای شکل گیری سازمانهایی پیدا شد که هر یک نماینده اعضای طبقه قشر و گروه خود بوده خواستها، نیازها و دیدگاههای خود را به دولت و سیاستمداران منتقل نماید و همچنین به دلیل مشغله زیاد دولت و بعضاً هم عدم اطلاع دقیق و عینی از شرایط، خود عهده دار رفع برخی نیازها و مایحتاج خود شدند. بدین ترتیب انواع مختلف اتحادیه های کارگری و کارفرمایی، سازمانهای حرفه ای، سازمانهای غیر دولتی، سازمان زنان، سازمان قومی، انجمن های ورزشی، گروه های مذهبی و ... در این جوامع شکل گرفته و برای تحقق اهداف اعضای خود فعالیت نمودند. این بخش از جامعه را که پیوند بین مردم و دولت است جامعه مدنی می نامند و هر چند جامعه مدنی فقط به این معنا نیست و حوزه وسیعتر و عامتری را با توجه به پویایی و تحولات روزافزون خود در بر می گیرد. جامعه مدنی همانقدر که پیش شرطی برای این دولت و جامعه جدید که به اصطلاح مدرن نامیده می شود بوده است همان قدر نیز یک محصول است

امروزه به استثنای برخی رویکردهای نخبه گرایانه و محافظه کارانه، اغلب به اهمیت جامعه مدنی اذعان دارند و به تعبیر برخی جامعه شناسان که عرصه عمومی نامیده می شود تنها مجرای حفظ آزادی، دموکراسی و ارتقاء بشری و فرهنگی به وسیله نقد وضعیت موجود قدرت سیاسی، نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. سازمانهای مردم نهاد هم امروزه از بخش های مهم جامعه مدنی محسوب می شوند که در نتیجه تحولات جهانی شدن و پیشرفت و

افزایش چشمگیر ارتباطات رسانه‌ای و اینترنتی رشد زیادی نموده‌اند و بویژه در زمینه توسعه بعنوان عاملین اصلی بین‌المللی در این زمینه شناخته شده‌اند.<sup>۱</sup>

#### سمن در ایران :

همانگونه که در فصل پیشین بیان شد، سازمانهای مردم‌نهاد در ایران به گونه‌های مختلف فعال بودند. بسترهای اصلی این فعالیت به ارزشمندی تعاون و همیاری، خیرخواهی و نیکوکاری و هدایت حرف‌آمده است. تمدن ایران باستان، آموزه‌های دینی در قرآن و روایات و تمدن پرفراز و نشیب اسلام زمینه‌های عمده ترغیب به تشکلهای غیررسمی و غیرانتفاعی در دورههای اخیر بوده است. سازمانهای مردم‌نهاد در ایران باستان سابقه دیرین دارد و در دوره جدید نیز فعالیت انجمن‌های صنفی در بازار توانست، ایران را از بحران مغول عبور دهد سابقه شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران را شاید بتوان در دوره صفویه یافت که با ظهور طبقات و گروه‌های اجتماعی و فعالیت آنها در مناسبات اجتماعی و سیاسی دگرگونی‌هایی در تاریخ ایران پدید آمد. از جمله این طبقات و گروه‌های جدید در کنار گروه‌های سنتی مثل اشرافیت زمین‌دار و اشرافیت دربار طبقه روحانیت که در دوره‌های بعد نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات و جریان‌های سیاسی و اجتماعی داشتند و نیز طبقه تجار نیرومندی که در نتیجه توسعه تجارت و توسعه ارتباط با غرب به تدریج پیدا شدند. با روی کار آمدن حکومت قاجار گروه‌های سنتی به حیات خود ادامه دادند اما روحانیت در این دوره در بیداری مردم جامعه در برخورد با مشکلات خارجی گستره وسیعتری از مشارکت در صحنه سیاسی و اجتماعی را برعهده گرفت و نیز پیوند بین روحانیت و بازار برقرار گردید که بعدها دگرگونیهای سیاسی اجتماعی ایران اثرات مهمی را برجای نهاد. همچنین در این دوره در نتیجه روند صنعتی شدن و پیچیده شدن روابط اقتصادی و اداری جامعه شاهد ایجاد طبقه روشنفکران هستیم که با افزایش نقش آنها در اداره امور میزان اثرگذاری آنها دگرگونیهای اجتماعی افزایش می‌یابد. در دوره مشروطیت، نهضت مشروطه علی‌رغم بوجود آمدن یک دولت اقتدارگرا در انتقال جامعه از استبداد به شکل جدید اجتماعی که در آن مفاهیم آزادی و

حقوق جامعه مدنی چیره شوند موفق بود. با پیروزی انقلاب مشروطه، نظام مشروطه به سمت حزب گرایی و فرقه گرایی رفت و تا زمان استقرار کامل سلطنت رضاخان دو حزب سیاسی تأسیس شد شامل حزب اعتدال و حزب دموکرات.

با ورود اندیشه جدید غرب به ایران از طریق اشخاصی که برای نخستین بار با صاحبان این فکرها که به ایران در قالبهای گوناگون، تبلیغی، سیاحتی و مانند آن رفت و آمد داشتند با ایرانیانی که به دلایل مختلف به اروپا رفتند و با پدیده ها و ابزارهای اجتماعی غرب بویژه نهادهای جمعی آشنا شده یا حتی به عضویت آن درآمدند و تأثیر بسزایی در شکل گیری نهادها و انجمن های بعدی داشتند. عامل دیگری که در پدید آمدن انجمن ها مؤثر بود می توان به نظام نامه انتخابات اصنافی دور اول مجلس شورای ملی مصوب ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ اشاره داشت که در آن بر تشکیل انجمن هایی برای نظارت بر انتخابات در شهرهای ایران اشاره شده است. ورود انجمن در صحنه فعالیت های سیاسی برای دفاع از مشروطیت موجب شد تا مخالفان مشروطه نیز به منظور مقابله با این موضوع اقدام به ایجاد انجمن هایی نمایند که این رشد روزافزون انجمن ها را در پی داشت. از این دوره به بعد با استبداد رضاخان و سرکوب هرگونه فعالیت حزبی و آزادی خواهی، تا دو دهه نهادهای مدنی موجود از میان رفت و هرگونه تشکل و گروه بندی سیاسی و اجتماعی به شدت سرکوب شد. با سرنگونی رضا شاه و جایگزینی محمدرضا پهلوی حزب ها و جمعیت های سیاسی بار دیگر به صحنه آمدند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با سرکوب حزب ها و نیروهای سیاسی بار دیگر در روند جامعه مدنی وقفه ایجاد شد. با روی کار آمدن دموکراتها در آمریکا در سال ۱۳۳۹ عصر دیگری در فعالیت های سیاسی آغاز شد. از این دوره به بعد فراز و نشیب هایی در فعالیت حزب ها و تشکیلات رخ داد و مدام احزاب جدیدی که مولود شرایط اجتماعی و سیاسی جدید بودند شکل می گرفتند که در نهایت تشدید فعالیت همین گروه ها و حزب ها و مشارکت توده مردم در مخالفت با ساختار حکومتی نظام سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی را به همراه داشت پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطف مشارکت سیاسی اجتماعی مردم ایران

بود که پس از دوران اولیه استقرار و بعد دوران جنگ تحمیلی و دوران سازندگی، در دوره اصلاحات با تأکید بر مشارکت سیاسی مسیر حرکت بسوی جامعه مدنی عمدتاً در چارچوب

مدرن و غربی و در میان طبقه تحصیل کرده بیشتر، شدت گرفت. امروزه در نتیجه تحولاتی چون افزایش روزافزون تحصیلات عالی و رشد چشمگیر ارتباطات رسانه ای و اینترنتی و آگاهی در ایران *NGO* سیاسی و اجتماعی، شاهد گسترش روزافزون هستیم. سازمانهای غیر دولتی در پی رخدادهای دهه ۱۳۷۰ و پس از گذشت حدود یک دهه از انقلاب ۱۳۵۷ گسترش یافتند. تعداد این سازمانها در سال ۱۳۴۷ تنها ۳۷۷ گزارش شده است، اما تا سال ۱۳۷۸ تعداد آنها به ۴۰۰۰ رسید، که از آن میان، بسیاری دیگر وجود دارند که به ثبت نرسیده اند. همچنین در حالی که از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ تنها ۱۳ سازمان غیر دولتی زنان در ایران وجود داشت، تا سال ۱۳۷۹ این تعداد به ۱۵۸ سازمان ثبت شده و ۹۲ سازمان ثبت نشده رسید. در سال ۱۳۸۰ این تعداد به ۲۲۸ سازمان ثبت شده و ۲۰۰ ثبت نشده و در سال ۱۳۸۱ به ۲۷۹ ثبت شده و ۲۸۹ ثبت نشده افزایش یافته است<sup>۲</sup> یکی از عوامل رشد کمی سازمانهای مردم نهاد تأثیر برنامه سوم توسعه است که برای دوره برنامه چهارم نیز تنفیذ شده است. در این برنامه برای حل بسیاری از معضلات اجتماعی بر استفاده از توان سمن تأکید شده است. برای نمونه براساس بند « ه » ماده ۱۹۴ ارتقاء مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات قانون برنامه سوم خیریه، در برنامه های فقر زدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت های منطقه ای و اعمال حمایت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاه ها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی صورت می گیرد. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ در ادامه بند « ه » بر این مسئله تأکید شده است که: « اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، براساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی ... از جمله اهداف توسعه ای دولت بشمار می آید».

همچنین ماده ۹۶ بند ب شماره ۶ قانون نیز بر «تقویت نقش مردم و سازمان های غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد تأکید دارد» همینطور در بند «ی» این مسئله عنوان شده است که دولت باید نسبت به «تهیه و تدوین طرح جامعه توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانواده با همکاری سایر سازمان ها و نهادهای ذیربط و تشکلهای غیر دولتی و تصویب آن در هیئت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه» اقدام کند. بنابراین، در بستر قانون برنامه سوم و برنامه چهارم می توان زمینه های علمی روشنی از طرح همکاری

سازمانهای غیر دولتی زنان و دستگاه های دولتی مسئول مربوطه ایجاد کرد . اگر این فرض را بپذیریم که رویکرد دولت به مسئله سازمانهای غیر دولتی زنان، رویکردی توسعه ای با تأکید بر مشارکت سطح بالای افراد جامعه در توانمندسازی است و در این راه، مسئله جنسیت از اهمیت بالایی برخوردار است، دولت به دنبال هماهنگ کردن و تدوین راهکارهایی برای اصلاح رابطه خود با سازمانهای غیر دولتی زنان است. از دیگر عوامل رشد سازمانهای مردم نهاد به ویژه در فعالیت زنان گرایشهای اخلاقی و دینی در جامعه اسلامی است . شعار راهبردی کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت که برگرفته از آموزه های اسلامی است نقش مؤثری در ترغیب افراد به تشکلهای غیردولتی برای ایفاء وظیفه اجتماعی دارد. اما ساختار NGO ها در ایران را می توان به سه نوع سنتی در سطح محلی، نیمه سنتی یا نیمه مدرن در سطح ملی و مدرن در سطح ملی و بین المللی تقسیم کرده . شماری از سازمانهای غیردولتی خیریه ای و اعتباری شامل صندوق های قرض الحسنه به شکل سنتی اداره می شوند، مشکل اداره غالب NGO ها در کشور نیمه سنتی یا نیمه مدرن است که به نوعی در حال گذار از سنتی به مدرن هستند ، تعداد کمی از سمنها هم از ساختاری مدرن برخوردارند اما بدلیل بهره نگرفتن مناسب از دانش و تجربه های بین المللی و ظرفیت فنی، فرهنگ همکاری و مبادله اطلاعات پایین، به روز نبودن آگاهی های آنان درباره عملکرد سمن های مدرن بین المللی از نظر فنون، ظرفیت و مهارتهای علمی و تخصصی قابل مقایسه با همتایان خود در دنیا نیستند.

بنابراین به منظور اثرگذاری و پویایی در عرصه ملی و بین المللی ضروری است که سمنها به تغییرات و تحولات بنیادین در ساختار خود پرداخته و همکاری با مراکز دولتی و غیر دولتی و نیز عامه مردم را افزایش دهند و با نیازسنجی و بصیرت کافی به شرایط محلی، ملی و بین المللی نظر کرده اهداف و فعالیت ها را تعریف و تعقیب نمایند یکی از اخلاقی ترین تدبیرها در تأمین بودجه سمن استفاده از کمک های مردمی به صورت نامشخص است تا امکان پولشویی را نیز از بین ببرد.

سمن در معرض ارزشهای مختلف :

سازمانهای مردم نهاد سنتی در فرهنگ ایرانی اسلامی شکل گرفته اند و بر اساس ارزشهای اصیل اسلامی تداوم یافته اند .مسئولیت پذیری اجتماعی، همیاری و تعاون، دیگر دوستی و فداکاری مرام ایرانی مسلمان است که وی را به فعالیت در چنین تشکلهایی سوق میدهد .

تأثیرپذیری ایرانیان از شکل نوین سازمانهای مردم نهاد که از نیمه دوم قرن نوزدهم در غرب ظهور کرد، عناصر فرهنگی و مؤلفه های ارزشی دیگری را نیز همراه داشت. امروزه اگر ارزشهای حرفه ای در فعالیت سمن سرچشمه های مختلف دارد تمدن ایران باستان، آموزه های اسلامی، تمدن ایران اسلامی و تمدن غرب مدرنیته چهار منبع عمده اند. و این امر در موارد فراوانی سبب ظهور تعارضات گوناگون بین ارزشها می شود، امکان تعارض این ارزشها وجود دارد. به همین دلیل در فعالیت سمن در ایران، مهندسی ارزشها و سامان دادن به اصول اخلاقی و عناصر فرهنگی ضرورت فراوان دارد.

خلاصه:

۱. اصطلاح *NGO* از سال ۱۹۴۵ به وسیله سازمان ملل متحد به میان آمده است.
۲. سازمانهای مردم نهاد، نه با این اصطلاح، در روزگار باستان نیز فعال بوده اند مهمترین نمونه آنها انجمن های صنفی بود.
۳. جنبشهای ضده برده داری، حمایت از حقوق زنان، کارگران و نیز کنفرانس صلح جهانی فلسفی خلع صلاح در رواج سازمانهای مردم نهاد به شکل نوین تأثیر فراوان دارد.
۴. مهمترین بستر رشد سازمانهای مردم نهاد توجه عمومی به اهمیت جامعه مدنی است.
۵. سازمانهای مردم نهاد در ایران سابقه دیرین دارد و اساساً انجمن های صنفی در بازار یکی از عوامل بازسازی ایران پس از حمله مغول بوده است.
۶. سازمانهای مردم نهاد در ایران پس از ۱۳۷۰ با تنوع فراوان رشد کرد. برنامه سوم توسعه نقش مهمی در این امر دارد.
۷. ساختار سازمانهای مردم نهاد در ایران به سه نوع سنتی در سطح ملی، نیمه سنتی یا نیمه مدرن در سطح ملی و مدرن در سطح ملی و بین المللی تقسیم کرد.
۸. سازمانهای مردم نهاد در ایران در معرض ارزشهای مختلف قرار دارد. منابع عمده این ارزشها عبارتند از: تمدن ایران باستان، آموزه های اسلامی، تمدن ایران اسلامی، تمدن غرب مدرنیته.

مسئولیت های اخلاقی در سازمانهای مردم نهاد:

سازمانهای مردم نهاد با اخلاق حرفه ای تعامل چند سویه دارند. زیرا از طرفی سمن حامی و ترویج کننده اخلاق حرفه ای در اصناف، گروههای اجتماعی و حتی اخلاق شهری در